

۱۵۱۴۹۸۲
۹۷, ۱۲, ۲۶

عاشقانه های مولانا

مولانا جلال الدین محمد بلخی

رئیس نسخہ نیکون



به کوشش

لیلا حانری میریزی

رضاشیخی

انتشارات بهزاد

BEHZAD PUBLICATION



سرشناسه :	مولوی، جلال الدین محمد بن محمد ۶۰۳-۶۷۲ هجری، شوی، برگزیده
مولان قراردادی :	شوی، برگزیده Masnavi.Selection
مولان و نام پیدا آور :	حاشا قاضی مولانا: مولانا جلال الدین غنی بر اساس نسخه بیخون (برگوشش لیلا حاضری حمیری، رضاشانی).
شخصیات شری :	تبران: بزرگ ۱۳۹۵.
شخصیات عامری :	۳۱۶ ص:، مسود (رنگی).
تکلیف :	۸-۴۵، ۱۰۹۰-۶۰۰-۹۷۸
دعوت قدرت نویسی :	فرا
موضوع :	تسره: ۷۰۰-۶۰۰-۹۷۸
موضوع :	موضوع
Persian poetry – 13th century :	موضوع
شماره افزوده :	نیکلسون، رنولد الیون، ۱۸۶۸-۱۹۲۵ م.
Nicholson, Reynold Alleyne :	شماره افزوده
شماره افزوده :	حاضری حمیری، لیلا، ۱۳۶۰-، گردآورنده
شماره افزوده :	شبی، رضا، ۱۳۶۱-، گردآورنده
شماره افزوده :	مولوی، جلال الدین محمد بن محمد ۶۰۳-۶۷۲ هجری، شوی، برگزیده
ردیف بندی نگاره :	PIR ۱۳۱۵۵۱۱۱ /
ردیف بندی دیوایی :	۳۱/۱۸۵
نمونه کاتبی نوی :	۲۵۱۵۱۸۲



حاشا قاضی مولانا

(بر اساس نسخه بیخون)

ناشر: بهزاد

تدوین: زنده یاد هوشنگ نعمتی

طراح کرافتیک: مهران احمدی

برگوشش: لیلا حاضری- رضاشانی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

تکلیف: ۸-۴۵، ۱۰۹۰-۶۰۰-۹۷۸

تبران- خیابان انقلاب- خیابان ۱۳ فروردین- خیابان شهدای زاهد ارمری- جنب اداره پست- کوچه کرانفر- پ ۴- بکف شرقی

تلفن: ۶۶۴۳۶۲۴ دو رنخار: ۶۶۹۶۵۳۳۰

فهرست مطالب

۱	بشوازی نے چون حکایت می کند
۳	حکایت حاشی شدن پادشاه بر کنیزک
۴	ظاهر شدن مجرب حکیمان از معاہدہ می کنیزک
۶	بردن پادشاه آن طبیب را بر سر بیمار
۹	قصہ می دیدن غنہ بسا را
۱۱	مکر دیگر انکلیختن وزیر را بر سر ملان قوم
۱۲	دفع گفتن وزیر میدان را
۱۳	مکر کردن میدان کہ خلوت را بکشید
۱۴	جواب گفتن وزیر کہ خلوت را نمی کشم
۱۵	اعتراض میدان در خلوت وزیر
۱۸	نومید کردن وزیر میدان را از رفض خلوت
۱۹	کشتن وزیر خویش را در خلوت
۱۹	پرخن آمدن طفل در میان آتش
۲۱	قصہ می باد کہ در عهد حود علیہ السلام قوم عاد را حلاک کرد
۲۲	بیان توکل و ترک جہد گفتن نجیبیران بر شیر
۲۳	جواب گفتن شیر نجیبیران را و فایدہ می جہد گفتن
۲۳	باز ترجیح نهادن شیر جہد را بر توکل

- ۲۵ باز ترجیح نهادن بنجیسه ان توکل را بر جسد
- ۲۵ نگرین عزرا سیل بر مردی و کزین آن مرد
- ۲۶ مقرر شدن ترجیح جسد بر توکل
- ۲۷ انکار کردن بنجیسه ان بر خرکوش در تاخیر رفتن بر شیر
- ۲۷ در آنگاه که خرکوش بنجیسه ان را
- ۲۸ اعتراض بنجیسه ان را بر خرکوش
- ۲۸ جواب خرکوش بنجیسه ان را
- ۲۹ ذکر داشت خرکوش را فیض و منفعت دانستن
- ۳۱ قصه ی مکر خرکوش
- ۳۳ هم در بیان مکر خرکوش
- ۳۶ قصه ی حدده و سلیمان در بیان آن که چون قصه آه
- ۳۷ طعنه ی زاغ در دعوی حدده
- ۳۸ جواب گفتن حدده طعنه ی زاغ را
- ۳۸ پای واپس کشیدن خرکوش از شیر
- ۴۱ پرسیدن شیر از سبب پای واپس کشیدن خرکوش
- ۴۱ تکرار کردن شیر در چاه و دیدن عکس خود را
- ۴۴ مژده بردن خرکوش سوی بنجیسه ان
- ۴۵ جمع شدن بنجیسه ان کرد خرکوش و شاکستن او را

- ۴۶ پند دادن خرکوش بنحیسه آن را که بدین شاد شوید
- ۴۶ قصه‌ی بازگان که طوطی مجوس او وی را پیغام داد به طوطی هندوستان
- ۴۸ صفت انجمنی طیسور عتول الحی
- ۴۹ دیدار داجه طایا هندوستان را در دشت
- ۵۰ شنیدن آن طوطی حرکت آیه طوطی و آمدن آن طوطی در قفس
- ۵۵ وداع کردن طوطی از خانه را به پرن
- ۵۶ تفسیر ماساء الله کان
- ۵۸ قصه‌ی سوال کردن عایشه از مصطفی علیه السلام
- ۶۰ اظهار محبت به ی پیغامبر علیه السلام به سخن آمدن سنگ ریزه
- ۶۱ تفسیر دعای آن دو فرشته که هر روز بر سر هر بازاری
- ۶۲ قصه‌ی خلیفه که در کرم در زمان خود از حاتم طایی گذشته بود
- ۶۳ مبر فرمودن اعرابی زن خود را و فضیلت صبر
- ۶۵ نصیحت کردن مرد مرزن را که در تفسیر آن به خدای مگر
- ۶۷ مراعات کردن زن شوهر را و استغفار کردن از گنجه‌ی خویش
- ۶۹ تسلیم کردن مرد خود را به آن چه التماس زن بود از طلب میشت
- ۷۰ مخلص ماجرایی عرب و جنت او
- ۷۲ دل نداشتن عرب التماس دل بر خویش سوگند خوردن
- ۷۵ فرق میان آن که درویش است به خدا و تشنه‌ی خدا و

- ۷۷ در بیان آن که عاشق دنیای بر مثال عاشق دیواری است
 ۷۷ حکایت ماجرای نحوی و کشتبان
 ۷۹ رفتن کرک و روباه در خدمت شیر به بخار
 ۸۱ امتحان کردن شیر کرک را و گفتن که پیش آبی ای کرک
 ۸۲ در کردن شیر کرک را که در قیمت بی ادبی کرده بود
 ۸۳ تهدید کردن علی بن ابی طالب را که با من میچسبد
 ۸۵ آمدن همان پیش: — علیه السلام
 ۸۸ گفتن همان یوسف علیه السلام را که آینه آوردت از میان
 ۹۰ اعتماد کردن حاروت و ماروت بر عصمت خدای
 ۹۲ باقی قصه ی حاروت و ماروت و خیال و عقوبت
 ۹۳ به عبادت رفتن که بر همسایه ی رنجور خویش
 ۹۶ پرسیدن پیر بزرگ علیه السلام مرزید را امروز چونی و چون
 ۱۰۱ بقیه ی قصه ی زید در جواب رسول علیه السلام
 ۱۰۵ گفتن پیغمبر علیه السلام مرزید را که این سر را فاشش ترا از این کوه
 ۱۰۶ خدو انداختن خشم در روی امیر المومنین علیه السلام
 ۱۰۹ گفتن امیر المومنین باقرین خود که چون خدو انداختی
 ۱۱۱ دزدیدن مار کبیره ماری را از مارگیری دیگر
 ۱۱۲ التماس کردن همراه می علیه السلام زنده کردن استخوانها را از او

- ۱۱۳ تمامی قصه‌ی زنده شدن استخوانها به دعای صبی علیه السلام
- ۱۱۶ یافتن پادشاه باز را به خانگی کبیر زن
- ۱۲۰ خاریدن روستایی در تاریکی شب به راه گمان آن که گاو اوست
- ۱۲۱ ملامت کردن مومنی را که مادرش را کشت به تهمت
- ۱۲۵ رنجاندن پسر یغدی را که مادر در دحاش رفته بود
- ۱۲۹ گفتن نابیسناهی دل که در دای دارم
- ۱۳۰ دانستن پیغام بر صلی الله علیه و آله که به نرنگ آتش شخص
- ۱۳۶ حله بردن سگ بر کور کدا
- ۱۳۸ قصه‌ی مناقان و مسجد ضرار ساختن ایشان
- ۱۴۰ فریفتن مناقان پیمان بر را تا به مسجد ضرارش برند
- ۱۴۳ نکایت گفتن پیر مردی به طبیب از رنجور بها
- ۱۴۵ طعنه زدن بیکانای در شیخ و جواب گفتن مرید شیخ او را
- ۱۴۷ بقیه‌ی قصه‌ی طعنه زدن آن مرد بیکانه در شیخ
- ۱۴۹ عذر گفتن هفتیر به شیخ
- ۱۵۲ سجده کردن یحیی علیه السلام در شکم مادر مسیح را علیه السلام
- ۱۵۳ جتن آن درخت که هر که میوه‌ی آن درخت خورد نمیرد
- ۱۵۴ شرح کردن شیخ سر آن درخت را با آن طالب مقلد
- ۱۵۶ بیان آن که خدای عجبان بهر از صواب بیکانان است

- ۱۵۶ امرحق تعالی به موسی علیه السلام که مرا به وحانی خوان
- ۱۵۷ بیان آن که الله گفتن نیازمندین بلیک گفتن حق است
- ۱۶۰ روان شدن خواجه به سوی ده
- ۱۶۳ رنژن خواجه و قومش به سوی ده
- ۱۶۵ روانن مجنون آن سک را که مقیم کوی لیلی بود
- ۱۶۷ ریه ناخوا (دوخته) و نادیده و ناشناخته آوردن
- ۱۷۶ قصه ی خواب دیدن در آمدن موسی را علیه السلام
- ۱۷۷ به میدان خواندن بنو اسرائیل برای حلیت
- ۱۷۷ جمع آمدن عمران با مادر موسی و رمله زن مادر موسی
- ۱۷۸ وصیت کردن عمران جنت را به ابراهیم
- ۱۷۹ وحی آمدن به مادر موسی که موسی را در آب افکن
- ۱۸۰ تحسید کردن فرعون موسی را علیه السلام
- ۱۸۱ جواب موسی فرعون را در تحسیدی که می کردش
- ۱۸۱ پاسخ فرعون موسی را علیه السلام
- ۱۸۲ جواب موسی علیه السلام فرعون را
- ۱۸۲ جواب فرعون موسی را و وحی آمدن موسی را علیه السلام
- ۱۸۳ محلت دادن موسی علیه السلام فرعون را تا ساحران را جمع کند
- ۱۸۷ داستان مشول شدن عاشقی به شقی نامه خواندن

- ۱۹۰ دیدن زر که عاقبت کار را و سخن بروفق عاقبت گفتن
- ۱۹۱ جنج ناکردن شیخی بر مرک فرزندان خویش
- ۱۹۳ حذر گفتن شیخ بمر ناکریستن بر مرک فرزندان خود
- ۱۹۵ حکم کردن، دد علیه السلام بر کشته‌ی کاو
- ۱۹۶ تضرع آن شخص از داوری داود علیه السلام
- ۱۹۷ حکم کردن داود بر صاحب دانه که از سر کاو برخیز
- ۱۹۸ حکم کردن داود بر صاحب دانه که به کایا مال خود را به وی ده
- ۱۹۹ حکایت آن دزد که پرسیدندش چه می‌کنی سر این دیوار
- ۲۰۰ قصه‌ی عشق صوفی بر سمنه‌ی تھی
- ۲۰۱ مخصوص بودن یعقوب علیه السلام به چیدن جام حق از روی یوسف
- ۲۰۳ بیان آن که حق تعالی هر چه داد و آفرید از مساوات و ارمین
- ۲۰۴ آمدن آن زن کافر با طفل شیر خواره به نزدیک مصطفی علیه السلام
- ۲۰۶ ربودن عتاب موزه‌ی مصطفی علیه الصلاة و السلام و بردن بر هوا
- ۲۰۷ حکایت آن زنی که فرزندش نمی‌زیست بنالید جواب آمد
- ۲۰۹ شناختن مرغوانی بوی مدوی خود را و حذر کردن و بطالت
- ۲۱۰ پیدا شدن روح القدس به صورت آدمی بر مریم به وقت برهنگی
- ۲۱۵ گفتن روح القدس مریم را که من رسول ختم به تو،
- ۲۱۶ پرسیدن مشوقی از عاشق غریب خود که از شمس حاکم ام شهر را

- ۲۱۷ رسیدن آن عاشق به مشوق خویش چون دست از جان خود بگرفت
- ۲۱۷ صفت آن مبد که صحن کش بود و آن عاشق مرگ جوی لاابالی که در او نمائند
- ۲۱۸ تلاطم کردن اجل مبد آن صحن عاشق را از شب
- ۲۱۹ جواب گفتن عاشق عاذلان را
- ۲۲۰ تشبیه صحن اولیا و صورت کلام اولیسا به صورت عصای موسی
- ۲۲۰ مثل زنده کردن کرم از آب خوردن به سبب تشویدن ساین
- ۲۲۳ فکر کردن پناه به طایفه الصالحات السلام به اسیران و تنم کردن
- ۲۲۴ داد خواستن پشه از باد حضرت سید بن علیه السلام
- ۲۲۵ امر کردن سلیمان علیه السلام پشه را به تنم ابر به حصار خصم به دیوان حکم
- ۲۲۷ نواختن مشوق عاشق بی موشش را تا به موشش باز آید
- ۲۲۹ باخوبش آمدن عاشق بی موشش و روی آوردن به ثنا و شکر مذاق
- ۲۳۳ حکایت عاشقی در از محبسرانی و بیار استغنی
- ۲۳۵ یافتن عاشق مشوق را و بیسان آن که جوینده یابنده بود
- ۲۳۷ قصه خیانت کردن عاشق و بانگ بر زدن مشوق بر وی
- ۲۴۰ قصه ی آن صوفی که زن خود را با بیگانه گرفت
- ۲۴۲ مشوق را زیر چادر پنهان کردن بهمت تبلیس و مجاز گفتن زن
- ۲۴۳ گفتن زن که او در بسند مجاز نیست مراد او ستر و صلاح است
- ۲۴۴ قصه ی عطاری که سنگ ترازوی او گل سرشوی بود

- ۲۴۶ آزاد شدن بلقیس از ملک و مست شدن او از شوق ایام
 ۲۴۹ چاره کردن سلیمان علیه السلام در احصاء تخت بلقیس از با
 ۲۵۰ چالش عقل با نفس همچون تنزاع مجنون بانا، میل مجنون سوی حره
 ۲۵۲ حکایت آید که از جنت ناموس شکر مدوح می کرد
 ۲۵۶ باز گفتن موی علیه السلام، سهرار فرعون را و واقعات او را طهر النیب
 ۲۵۷ بیان آن که در باز است
 ۲۵۸ وحی کردن حق به موسی علیه السلام که می گویند که ما لکم تعالی ترا دوست می دارم
 ۲۵۹ عروس آوردن پادشاه فرزند خود از نسل اقطاع نسل
 ۲۶۰ اختیار کردن پادشاه دختر درویش زاهد در جنت پسر
 ۲۶۲ متجرب شدن دعای پادشاه در خلاص پسرش از بند دوی کابلی
 ۲۶۴ حکایت آن زن پلید کار که شوهر را گفت
 ۲۶۷ مناجات
 ۲۶۸ در بیان آن که ثواب عمل عاشق از حق هم حق است
 ۲۶۹ قصه ی مجوس شدن آن آمو بچه در آخور خزان و طبعی آن خزان
 ۲۷۰ بقیه ی قصه ی آمو و آخور خزان
 ۲۷۲ داستان آن عاشق که با معشوق خود بر می شرد خدمت و وفاهای خود را
 ۲۷۳ داستان آن کنیز که با خاتون شصت می راند و او را چون بز و خرس
 ۲۸۰ بیان اتحاد عاشق و معشوق از روی حقیقت اگر چه متضادند

- ۲۸۲ معشوقی از عاشق پرسید که خود را دوست ترداری یا مرا
- ۲۸۴ حکایت آن شخص که از ترس خویش را در خانه ای انداخت
- ۲۸۶ معنی ما شاء الله کان یعنی خواست خواست او و رضا رضای او
- ۲۸۸ که خوشبختان چون را که حسن لیسلی به اندازه ای است چندان نیست
- ۲۹۱ حکایت آن زن که گفت شوهر را که گوشت را که به خورد
- ۲۹۳ در آمدن سهروردی حاضری مصطفی علیه السلام و کریمین عایشه
- ۲۹۴ امتحان کردن خیمه به السلام عایشه را که چه پنهان می شوی
- ۲۹۶ قصه ی درویش که از آینه خانه راجع به خواست می گفت نیست
- ۲۹۷ قصه ی سلطان محمود و غلام ندو
- ۳۰۲ قصه ی آن کنج نامه که پهلوی قبادی ردی تیره بن
- ۳۰۴ تمامی قصه ی آن فقیسه و نشان جای آن کنج
- ۳۰۵ فاش شدن خبر این کنج و رسیدن به گوش پادشاه
- ۳۰۵ نوید شدن آن پادشاه از یافتن آن کنج و ملول شدن او از طلب آن
- ۳۰۷ باز دادن پادشاه کنج نامه را به آن فقیسه که بگیرد، ما از سر این برخاستیم
- ۳۱۱ حکایت آن سه مسافر مسلمان و ترسا و بحدود که به منزل قوتی یافتند
- ۳۱۷ حکایت آن پادشاه و وصیت کردن او سه پسر خویش را
- ۳۱۸ بیان استمداد عارف از سر پشیمی حیات ابدی و مستی شدن او
- ۳۲۱ روان شدن شه زادگان در ممالک پدر بعد از وداع کردن ایشان شاه را

- ۳۲۶ حکایت آن دو برادر یکی کوسه و یک امرد، در عزم خانزادی هفتصد
 ۳۲۹ سبب تاخیر اجابت دعای مومن
 ۳۳۰ مفتون شدن قاضی بر زن جوجی و در صندوق ماندن
 ۳۳۲ رفتن قاضی از نزدی بن جوجی و حلقه زدن جوجی به چشم برادر
 ۳۳۶ و سوسه ای که پادشاه زاده را پیدا شد از سبب استغابی
 ۳۳۸ وصیت کردن آن حکمران که از مرگ مال مرا از سه فرزند من که کاهل تر است
 ۳۴۱ نمودن مثال هفت شمع سوخته بر مل
 ۳۴۲ شدن آن هفت شمع بر مثال یک شمع
 ۳۴۳ نمودن آن شمعها در نظر هفت مرد
 ۳۴۳ باز شدن آن شمعها هفت درخت
 ۳۴۴ مخفی بودن آن درختان از چشم خلق
 ۳۴۶ یک درخت شدن آن هفت درخت
 ۳۴۷ هفت مرد شدن آن هفت درخت
 ۳۴۸ حکمت فکر کردن در چارچ و پوستین که فلیتگر ایشان هم خلق
 ۳۵۰ خلق انجان من مارج من نابو قوله تعالی فنه حق ابلیس
 ۳۵۳ مکر کردن برادران پسند دادن بزرگین را و تاب نیاوردن او پند را
 ۳۵۸ در بیان آن که ثواب عمل عاشق از حق هم حق است
 ۳۵۹ پشیمان شدن آن سرشکر از جنایت که کرد و سوگند دادن او

- ۳۶۱ آمدن خلیفه نزد آن خوب روی برای جامع
 ۳۶۲ خنده گرفتن آن کنیزک را از ضعف شصت خلیفه و
 ۳۶۳ فاش کردن آن کنیزک آن راز را با حسیله از بیم زخم شمشیر و
 ۳۶۵ خطاب حق به عزرائیل که ترا رحم بر که بیشتر آمد از این خلایق
 ۳۶۷ ک. اماره پنج شبان راعی و میان مجزیه ی هود علیه السلام
 ۳۶۸ رجوع کردن به حاجه بر لایق تقالی نمود رابی واسطی مادر و دایه در وظلی
 ۳۷۰ رجوع کردن بدلت که در شش زاده زخم خورد از خاطر شاه،
 ۳۷۱ رجوع کردن به قصه آن شخص که با او گنج نشان دادند
 ۳۷۳ رسیدن آن شخص به مصر و سبب رسیدن آمدن به کوی
 ۳۷۴ بیان این خبر که الکذب ریب و الصدقة طمانه
 ۳۷۹ بازگشتن آن شخص شادمان و مراد یافته و خدای را
 ۳۸۲ تعیین کردن زن طریق طلب روزی که خدای خود را را بول آورد
 ۳۸۴ حدیه بردن عرب بسوی آب باران از میان بادیه سوی بغداد
 ۳۸۵ در ند و فتن زن عرب بسوی آب باران را و
 ۳۸۷ در میان آن که چنان که کدا عاشق کرم است و عاشق کریم
 ۳۸۸ فرق میان آن که درویش است به خدا و تنه ی خدا و
 ۳۸۹ پیش آمدن نیتیا و در بانا حسیله از بهر اکرام اعرابی و پذیرفتن حدیه ی او را
 ۳۹۱ مثل عرب إذا زینت فاذن بالحمرة و إذا سرق فاسرق الدرّة

پسردن عرب حدیه را یعنی سبورا به غلامان خلیفه

۳۹۲

قبول کردن خلیفه حدیه را و عطا فرمودن با کمال بی نیاز

۳۹۴

مثل

۳۹۹

www.ketab.ir